



تأثیر سیاست‌های امنیتی امریکا و روسیه بر امنیت خاورمیانه پس از بهار عربی

شمشاد عزیز کاظمی*

چکیده

یکی از حوزه‌های مهم رقابت سیاسی، اقتصادی و امنیتی میان امریکا و روسیه جغرافیایی خاورمیانه است. این رقابت‌ها در واقع یکی از راه‌های رسیدن به اهداف استراتژیک‌شان می‌باشد. در این مقاله تنها به سیاست امنیتی امریکا و روسیه و تأثیر آن بر امنیت خاورمیانه پرداخته شده است. خاورمیانه ویژگی‌های امنیتی و استراتژیکی دارد، که باعث حضور امنیتی امریکا و روسیه، به‌عنوان قدرت‌های بزرگ شده است. سئوالی که در این رابطه مطرح می‌شود این است که سیاست‌های امنیتی امریکا و روسیه چه تأثیر بر امنیت خاورمیانه پس از بهار عربی داشته است؟ در این پژوهش، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی، مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌های امنیتی این دو قدرت جهانی، با هدف حفظ و گسترش نفوذ، دفع تهدیدات و مبارزه با چالش‌های منطقه‌ای‌شان بوده و همواره امنیت خاورمیانه را در حالت شکنندگی و بی‌ثباتی قرار داده است. رقابت‌های امنیتی دو ابرقدرت به شکل جنگ‌های نیابتی و استخباراتی برای افزایش نفوذ ظهور نموده است.

واژگان کلیدی: امریکا، روسیه، امنیت، خاورمیانه، سیاست‌های امنیتی، ائتلاف امنیتی.

* پژوهشگر مطالعات استراتژیک و دانش آموخته ماستری روابط بین الملل

مقدمه

منطقه خاورمیانه از همه لحاظ، ژئوپلیتیک خاص دارد که باعث شده استراتژیست‌ها و تئوریسین‌های امنیتی و سیاسی آن را منطقه آشوب‌زا، منازعه‌آمیز و منطقه سوق‌الجیشی تعریف و توصیف کنند. هر کشور که بر آن تسلط داشته باشد، می‌تواند به حداکثر منافع خود برسد و یا امنیت ملی‌شان را تضمین کنند. برای همین است که این منطقه از گذشته‌های دور کانون رقابت‌های استراتژیکی و امنیتی قدرت‌های بزرگ بوده است. مداخله قدرت‌های بزرگ و ظهور قدرت‌های منطقه‌ای از یک سو و شکاف‌های سیاسی-اجتماعی و تنش‌های نظامی و مسلحانه در میان گروه‌ها و اقشار محلی و دولتی از سوی دیگر، باعث شده است که این منطقه هیچ‌گاه شاهد ثبات و امنیت پایدار نباشد. بعد از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی، و به‌خصوص پس از بهار عربی از سال ۲۰۱۰ میلادی، تنش‌ها و منازعات در این منطقه هم میان بازیگران داخلی و هم میان قدرت‌های بزرگ در این منطقه بیش از هر زمان دیگر افزایش پیدا کرد.

امریکا و روسیه، به‌عنوان قدرت‌های بزرگ، همواره در یک رقابت استراتژیک هم در سطح منطقه‌ای و هم در سطح بین‌المللی با هم در تقابل قرار دارند. امریکا و روسیه در این منطقه در همه ابعاد با هم رقابت دارند، اما بیشترین رقابت‌ها در عرصه امنیتی و استراتژیک در این منطقه می‌باشد، منطقه خاورمیانه سال‌هاست که عرصه سیاست‌های امنیتی قدرت‌های بزرگ مانند امریکا و روسیه بوده است. حضور نظامی و نفوذ امنیتی امریکا و روسیه در این منطقه بیشتر بر مبنی تهدیدات امنیتی، جنگ‌های نیابتی و استخباراتی و حضور شبه‌نظامیان تندرو توجیه شده است. حضور امریکا و روسیه در این منطقه همواره ثبات و امنیت در منطقه خاورمیانه متاثر ساخته است؛ به‌عبارت دیگر، تنش‌ها و بی‌ثباتی‌ها در این منطقه ناشی از سیاست‌های امنیتی امریکا و روسیه بوده است. پرسش اصلی این پژوهش این است که سیاست‌های امنیتی امریکا و روسیه چه تأثیر بر امنیت خاورمیانه پس از بهار عربی داشته است؟ فرضیه تحقیق نشان می‌دهد که رقابت

قدرت‌های بزرگ آمریکا و روسیه در منطقه خاورمیانه، امنیت و ثبات را متأثر ساخته است. آمریکا و روسیه با حضور خود شان در این منطقه سعی دارند از دولت‌های رقیب در این منطقه و گروه‌های نیابتی این کشورها در راستای منافع خود حمایت کنند و این باعث شده است که رقابت‌های درون منطقه‌ای و افزایش جنگ‌های داخلی و بحران امنیتی در خاورمیانه شکل بگیرد. اطلاعات و داده‌های لازم از منابع کتابخان‌های شامل کتاب‌ها، فصلنامه‌های علمی و سایت‌های معتبر جمع‌آوری شده و با روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده است.

برای پاسخ به سؤال مطرح شده، تحقیق حاضر شامل مقدمه و سه مبحث می‌شود. در مبحث اول به سیاست‌های امنیتی آمریکا در خاورمیانه پس از بهار عربی بحث می‌شود. در مبحث دوم، سیاست‌های امنیتی روسیه در خاورمیانه پس از بهار عربی بررسی خواهد شد. در نهایت، تأثیر سیاست‌های امنیتی آمریکا و روسیه در خاورمیانه پرداخته شده و با نتیجه‌گیری به پایان خواهد رسید.

۱. سیاست‌های امنیتی آمریکا در خاورمیانه

۱-۱. تضعیف و مهار گروه‌های نیابتی

بعد از حضور نظامی آمریکا در عراق و آغاز دولت - ملت سازی در این کشور بعد از تحولات ۲۰۰۳، رقبای آمریکا در منطقه سعی کردند که در دولت آینده عراق سهم و نفوذ داشته باشند. این دولت‌های رقیب از طریق ایجاد و حمایت از گروه‌های نیابتی، نفوذ و حضور سیاسی‌شان را گسترش دادند. دولت‌هایی به مانند، ایران، سوریه و روسیه که از مخالفین حضور آمریکا در عراق و منطقه بودند، به جنگ‌های نیابتی و استخباراتی متوسل شدند. متقابلاً آمریکا هم به ایجاد و حمایت از گروه‌های نیابتی و طرفدار خود اقدام نمود. بیشتر گروه‌های نیابتی طرفدار آمریکا در عراق، لیبرال‌ها، تکنوکرات‌ها و تحصیل کرده‌های غرب بودند که در بدنه قدرت سیاسی با حمایت از آمریکا و متحدان‌شان در عراق حمایت

و پشتیبانی می شدند. در این دوره در عراق اختلافات میان گُردها، شیعیان و اهل سنت و شکاف‌های قبیله‌ای و عشیره‌ای افزایش یافته و به خشونت و درگیری منجر شد (خسرو، ۱۳۸۷: ۱۷۴). هم‌چنین، همکاری نظامی حزب‌الله با گروه‌هایی مانند حماس و جهاد اسلامی و حضور نظامی و امنیتی در سوریه، نه تنها منافع امریکا را در منطقه تهدید می‌کند که حتی تهدیدی جدی برای امنیت و ثبات دولت اسرائیل در منطقه می‌باشد. لذا تضعیف و مهار حزب‌الله در لبنان و سوریه، حشدالشعبی و کتائب حزب‌الله در عراق، انصارالله در یمن و حماس و جهاد اسلامی در فلسطین یکی از جهت‌های سیاست‌های امنیتی و استراتژیک امریکا در خاورمیانه می‌باشد.

بحران و چالش‌های سوریه تنها به بازیگران غیردولتی نامبرده خلاصه نمی‌شود بلکه بازیگران دولتی مانند امریکا و روسیه به‌عنوان قدرت‌های بزرگ و ایران، عربستان و اسرائیل به‌عنوان قدرت‌های منطقه‌ای نیز دخیل هستند (اختیاری امیری، ۱۳۹۶: ۱۷۳). امریکا حزب‌الله لبنان را متهم به اقدامات تروریستی در منطقه کرده است. کشورهایی مانند امریکا، عربستان و اسرائیل خواهان تضعیف و مهار حزب‌الله در منطقه، حماس و جهاد اسلامی در فلسطین، حشدالشعبی و کتائب حزب‌الله در عراق و انصارالله در یمن هستند. در هرصورت، حضور نظامی، امنیتی و حتی سیاسی حزب‌الله لبنان در منطقه برای برنامه‌های امنیتی امریکا و امنیت اسرائیل خطرآفرین و تهدید بالقوه به حساب می‌آید. لذا مهار و تضعیف این جریان‌ها یکی از اولویت‌های سیاست‌های امنیتی و برنامه‌های استراتژیک امریکا در خاورمیانه می‌باشد.

۱-۲. ایجاد ائتلاف امنیتی منطقه‌ای علیه رژیم سوریه

تهدیدسازی و معرفی رژیم بشار اسد به‌عنوان یک تهدید برای منافع امریکا و امنیت کشورهای متحد امریکا در منطقه، توجیه برای ایجاد ائتلاف‌های امنیتی بر علیه رژیم اسد در منطقه بوده است. ایجاد ائتلاف‌های امنیتی منطقه‌ای به‌رهبری امریکا بر ضد سوریه تنها بر رژیم سوریه خلاصه نمی‌شود، بلکه تضعیف نقش ایران و روسیه و شکست

حزب‌الله لبنان هم جزء اهداف ائتلاف امنیتی منطقه‌ای بر ضد رژیم سوریه می‌باشد. براساس اولویت‌های استراتژیک آمریکا، عربستان سعودی و اسرائیل به‌عنوان حافظان وضع موجود، اقدامات و تحرکات به هدف ایجاد اتحاد فراگیر علیه نفوذ منطقه‌ای ایران در سوریه، عراق و یمن بوده است (گل محمدی، ۱۳۹۹: ۱۰۸).

ایجاد ائتلاف و یا اتحاد امنیتی به‌رهبری آمریکا بر علیه رژیم سوریه، دور از تصور نبود، زیرا مخالفت با رژیم سوریه در منطقه حامیان زیادی داشت و این باعث شده بود که زمینه برای ایجاد یک ائتلاف امنیتی و نظامی سهل‌تر شود. کشورهایی که در ائتلاف امنیتی و نظامی آمریکا بر علیه رژیم سوریه نقش دارند همگی تداوم رژیم اسد در سوریه را تهدیدی برای منافع و امنیت‌شان می‌دانستند. آرنولد و لفرز^۱ باور دارد که امنیت برای کشورهای مسلط جهانی زمانی پایدار خواهد بود که چالشی متوجه آن‌ها نشود و یا در صورت مواجهه با آن مکلف به استفاده از گزینه نظامی نباشد، بنابراین آن‌ها باید از نفوذ و اعتبار خویش برای ترغیب و تحریک شرکای منطقه‌ای خود در منازعات میان واحدهای چالشگر بهره‌مند شوند (هدایتی شهیدانی و رُمان ولادیمیروویچ ۱۳۹۴: ۷۲).

امریکا با ایجاد ائتلافی به نام «محوراعتدال»، در بحران سوریه در پی سرنگونی رژیم اسد در سوریه بود. این ائتلاف امنیتی در واقع متشکل از بازیگران عربی، غربی و ترکی می‌باشد که هدف هر سه آن‌ها سرنگونی رژیم اسد و قطع نفوذ و نقش ایران در کشورهای عربی و خاورمیانه بود. این ائتلاف امنیتی، اخیراً به‌دلیل نزدیکی روابط ترکیه با روسیه و بهبود روابط ایران با عربستان با میانجیگری روسیه و چین، از هم پاشیده است که بیشتر عامل آن تغییرات ژئوپلیتیکی در سطح سیاست‌های جهانی میان قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های منطقه می‌باشد.

^۱ Arnold Wolvers

۲. سیاست‌های امنیتی روسیه در خاورمیانه

۲-۱. افزایش صادرات و فروش تسلیحات نظامی

عراق بعد از صدام متحد امریکا شده است؛ این متحد بودن تنها در حوزه سیاسی و یا اقتصادی خلاصه نمی‌شد. عراق تبدیل به یکی از واردکننده‌های بزرگ تسلیحات نظامی امریکا در حد خودش شده بود. می‌توان گفت از سال ۲۰۰۳م تا ۲۰۱۲م، متکی به تسلیحات نظامی امریکا بود. با روی کار آمدن آقای نوری مالکی به‌عنوان نخست‌وزیر عراق، روابط روسیه با عراق بیش از هر زمان دیگر بهتر شده بود؛ در این زمان عراق سعی کرد تا از روسیه تسلیحات و تجهیزات نظامی خریداری کند و روسیه هم مشتاقانه می‌خواست صادرات تسلیحات در عراق را افزایش دهد. در سال ۲۰۱۲م، آقای مالکیبه مسکو سفر کرد و به توافقات با مقامات روسیه در زمینه تسلیحات نظامی گردید. در نتیجه معاهده به ارزش ۲/۴ میلیارد دالر برای مدت ده سال برای عراق تسلیحات و فناوری نظامی را منعقد کرده و سلاح‌های نظامی روسی وارد عراق کند (صابر بریا، ۱۳۹۶: ۱۷۳).

این قرارداد بزرگ‌ترین صادرات تسلیحات نظامی روسیه در خاورمیانه به عراق در سال ۲۰۱۲م بود که به اندازه عراق در این دوره از روسیه کشوری در خاورمیانه تسلیحات و سلاح خریداری نکرده بود. یکی از عوامل آن ممکن است افزایش گروه‌های شبه‌نظامی و بی‌ثباتی بود که بعد از خروج امریکا بیشتر از هر زمان دیگر دامنگیر امنیت و ثبات عراق شده بود. ظهور داعش در عراق و تصرفات آن در سال ۲۰۱۴م بغداد را وادار کرد تا بیش از هر زمان دیگری تسلیحات و تجهیزات سبک و سنگین از روسیه وارد کند.

وقتی حیدر العبادی، رئیس‌جمهور وقت عراق، از امریکا و کشورهای منطقه برای بازپس‌گیری سرزمین‌های عراق کمک خواست، روسیه فرصت را غنیمت شمرد و به هدف افزایش نفوذ امنیتی‌اش، بی‌درنگ برای عراق سلاح و تجهیزات نظامی فرستاد (زمردی انباجی و دیگران، ۱۳۹۹: ۸۵). عراق در سال ۲۰۱۴م، بعد از هند بزرگ‌ترین واردکننده و خریدار تسلیحات و تجهیزات نظامی روسی، در ردیف مشتریان تسلیحات

نظامی قرار گرفته بود. در این دوران، روسیه به عراق ۹ فروند طیاره نظامی - تهاجمی سو-۱۲۵، دوازده سیستم بمب افکن های سنگین تُس‌ای ۲۱، شش فروند هلیکوپتر نظامی - تهاجمی می ۳۲۸ و ده فروند هلیکوپتر تهاجمی می ۳۵ را دولت روسیه به عراق صادر کرده بود که این معامله به ارزش ۱،۷ میلیارد دالر بوده است (پوپسکو و سکرپرو، ۱۴۰۱: ۶۵).

روسی سازی تسلیحات ارتش عراق برای روسیه باعث شد که این کشور موقعیت امنیتی خود در منطقه خاورمیانه را احیا سازد و جایگاهی که روسیه بعد از سرنگونی رژیم صدام از دست داده بود، دوباره احیا کند. صادرات و فروش تسلیحات و تجهیزات نظامی یکی از راه‌ها و روش‌هایی بود که روسیه می‌توانست دوباره به آن موقعیت مطلوب خود برسد. هدف عمده و اساسی آن معنا یافتن رقابت با آمریکا براساس ایجاد توازن قدرت و جلوگیری از یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در خاورمیانه می‌باشد. ظهور داعش در منطقه، افزایش جنگ‌های داخلی در سوریه و لیبی، افزایش تنش‌ها میان اسرائیل و حماس باعث شده است که روسیه فروش و صادرات سلاح و تسلیحات نظامی خود در خاورمیانه را افزایش دهد.

۲-۲. ایجاد ائتلاف امنیتی منطقه‌ای برای بقای رژیم سوریه

امریکا به هدف تغییر رژیم اسد در سوریه اتحاد و ائتلاف سیاسی - امنیتی متشکل از محور عربی، غربی و ترکی را سازماندهی کرده بود، تا رژیم اسد را به نفع خود تغییر دهد. در برابر، روسیه و ایران هم سعی کردند از این ائتلاف جلوگیری کنند و یا بقای رژیم اسد را تضمین بتوانند. در برابر ائتلاف امنیتی و راهبردی آمریکا در منطقه برعلیه رژیم سوریه،

¹ Su-25

² TOS-1A

³ Mi-28-NA

⁴ Mi-35-M

روسیه هم ائتلاف امنیتی و استراتژیک قدرتمندی با محوریت ایران، چین، حزب الله لبنان و عراق در منطقه تشکیل داد.

در این ائتلاف کشورهای روسیه، چین، ایران، عراق و حزب الله قرار دارد که هدف عمده این ائتلاف جلوگیری از نفوذ ائتلاف امریکایی و حمایت‌های همه‌جانبه سیاسی و نظامی - امنیتی برای رژیم سوریه می‌باشد؛ در واقع بازیگران این ائتلاف خواهان حفظ وضع موجود به هدف بقا و امنیت رژیم در سوریه می‌باشند (موسوی، ۱۳۹۶: ۱۰۰). در این ائتلاف بازیگران و کنشگران هم مخالف سیاست‌های امریکا در منطقه و هم خواهان حفظ رژیم اسد در سوریه هستند. به عبارت دیگر، هسته اصلی این ائتلاف ضدیت با رویکرد های امنیتی امریکا در منطقه پیرامون سوریه می‌باشند (طباطبایی و رحمتی پور، ۱۳۹۸: ۸۴).

روسیه در درجه اول در بحران سوریه به دنبال تعادل‌سازی و توازن قدرت در مقابل امریکا به عنوان بازیگر تعیین کننده بین‌المللی بود؛ در این زمینه روسیه سعی کرد تا هرگونه اقدامات یک جانبه امریکا و محور حامی مخالفان اسد را محدود کرده و صرفاً سیاست‌ها و اقداماتی را از آدرس و کانال شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان اراده جامعه بین‌المللی به پیش ببرد (زهرا نی و فرجی لوحه سرا، ۱۳۹۵: ۶۲).

۳. تأثیر سیاست‌های امنیتی امریکا و روسیه بر امنیت خاورمیانه پس از بهار عربی

امنیت و ثبات در خاورمیانه همواره وابسته به سیاست‌ها و رویکردهای امنیتی امریکا و روسیه بوده است، زیرا این دو قدرت بزرگ از نفوذ و متحدانی در این منطقه برخوردار هستند که آن‌ها هم در درون خودشان در رقابت و تعارض منافع درگیرند. می‌توان گفت که رقابت بازیگران منطقه‌ای بر رقابت‌های امریکا و روسیه و همین‌طور رقابت این دو قدرت بزرگ بر فضای بازیگران منطقه‌ای تأثیرگذار بوده است. اهداف و منافع امریکا و روسیه در این منطقه به شدت در تعارض هستند، زیرا امریکا حضور خود در این منطقه را مترادف با تضمین امنیت هژمونی منطقه‌ای خود می‌داند که بازیگران منطقه باید نظم

منطقه‌ای آمریکا را بپذیرند؛ عدم پذیرش نظم امریکایی در این منطقه مترادف با تهدید منافع و امنیت آمریکا در این منطقه می‌باشد. اما روسیه بازگشت خود در این منطقه را ایجاد توازن قدرت و به رسمیت شناختن روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ در برابر آمریکا دانسته و آن را دنبال می‌کند.

الکساندر ترنین،^۱ تحلیلگر روسی، سیاست‌های خاورمیانه‌ای روسیه را تا اندازه‌ای رد کرده و معتقد است که روسیه از حضور در خاورمیانه به عنوان ابزاری برای بازگشت خود به عنوان یک ابر قدرت جهانی استفاده می‌کند؛ روسیه در این منطقه سعی دارد آمریکا را قانع بسازد تا روسیه را به عنوان یک تصمیم‌ساز جهانی به رسمیت بشناسد (کولایی و نایینی، ۱۳۹۹: ۸).

امریکا و روسیه در سیاست‌های خویش، در منطقه متحدانی برای خود شان برگزیدند که در خیلی مواقع از دالان و دهلیز آن می‌کوشند بر اوضاع و تحولات منطقه چیره شوند، بدون داشتن متحد در این منطقه نمی‌توان این دو قدرت بزرگ به اهداف و منافع شان برسند. روسیه در خاورمیانه ایران، سوریه، حزب الله لبنان و حماس را متحد خود می‌داند. آمریکا، عربستان سعودی، اسرائیل، امارات متحده عربی و قطر را به عنوان متحدان منطقه‌ای خود انتخاب کرده است. از طرف دیگر، برنامه‌های هسته‌ای ایران، منازعه میان اعراب و اسرائیل، بحران سوریه و لیبی و باندهای شبه نظامی و جریان‌های افراطی مسلح از موضوعات مشخصی هستند که روسیه با آمریکا در راستای حل و مدیریت آن با هم همکاری و هماهنگی‌های داشته‌اند. به باور روسیه، شکست یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در منطقه و گسترش بی‌ثباتی از خاورمیانه به عرصه بین‌المللی از مواردی هستند که همکاری و تأمل را میان قدرت‌های بزرگ حتمی و الزامی می‌سازد، اما در جهت اصلی، خاورمیانه بستری مناسب برای رقابت آمریکا و روسیه محسوب می‌شود (نوری، ۱۳۹۹: ۹۵).

^۱ Alexander Ternin

رئیس‌جمهور پیشین امریکا، دونالد ترامپ^۱ در ماه می سال ۲۰۱۷م، کشورهای عربستان سعودی و اسرائیل را به‌عنوان اولین مقصد سفر خارجی خود انتخاب کرد، مقامات امریکایی دو هدف عمده از سفر ترامپ به خاورمیانه را ارزیابی کرده‌اند؛ مبارزه با داعش/تروریسم و نقش منطقه‌ای ایران بیان داشتند؛ سفر ترامپ به عربستان سعودی منجر به امضاء قرارداد تسلیحات نظامی به ارزش ۱۱۰ میلیارد دلار بین واشنگتن و ریاض شد (درج و هادی، ۱۳۹۹: ۹۳). امریکا هم سعی می‌کند با ابزار قرار دادن عربستان سعودی و اسرائیل بر خاورمیانه، قدرت مسلط و تأثیرگذار باشد. در رقابت‌های امنیتی این دو بازیگر، یعنی روسیه و امریکا، بعد از اشغال عراق، جنگ‌های نیابتی گسترده را راه‌اندازی کردند که باعث بی‌ثباتی در منطقه شد. سیاست‌های امنیتی امریکا و روسیه هم‌چنان باعث افزایش رقابت‌های امنیتی و نظامی میان عربستان سعودی، ایران و اسرائیل به اضافه حزب‌الله در خاورمیانه گردیده است. این قدرت‌ها و کنشگران منطقه‌ای به نیابت از روسیه و امریکا همواره برای رسیدن به مقاصد سیاسی و امنیتی خودشان متوسل به ابزارهای قدرت نظامی و خشونت در منطقه شدند. اما روسیه همواره سعی کرده است که این رقابت‌ها منجر به رویارویی نظامی نشود؛ زیرا برخورد نظامی میان این بازیگران به‌هیچ‌وجه به منافع روسیه در منطقه نیست؛ زیرا روسیه در خاورمیانه به‌دنبال توازن قدرت و موازنه سیاسی و استراتژیک می‌باشد.

روسیه در برابر گسترش ناتو واکنش تندی از خود نشان نداده است، بلکه واکنش‌ها و رفتارهایی در چارچوب دیپلماتیک داشته و در پهلوی آن، برای بهبود روابط با غرب کوشیده است؛ روسیه به سبب وابستگی در حوزه فناوری و صنعت به غرب، سعی می‌کند از گسست و کاهش روابط گرم با امریکا و اروپا دوری کند (میرفخرایی، ۱۳۹۲: ۱۹۸). بدون شک، سیاست‌های امنیتی در خاورمیانه میان روسیه و امریکا، به هدف تسلط بر منطقه و تضمین امنیت و جایگاه امنیتی خود می‌باشد. هر دو قدرت رقیب سعی می‌کنند

¹ Donald Trump

تا به هژمونی منطقه‌ای خود در خاورمیانه دسترسی پیدا کنند و به منزله قدرت هژمون و قدرت بزرگ در خاورمیانه بمانند. برای روسیه، شرط قدرت بزرگ بودن و احیای نفوذ در عرصه بین‌المللی، تسلط بر مناطق پیرامونی است؛ برای آمریکا شرط ابرقدرت بودن در منطقه تثبیت جایگاه و موقف به‌عنوان معمار امنیتی در چارچوب گسترش ناتو و همگرایی براساس دموکراسی‌سازی و توسعه بازار آزاد است تا به نظم و امنیت دست یابد (روحی دهنه و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۳۲-۲۳۳).

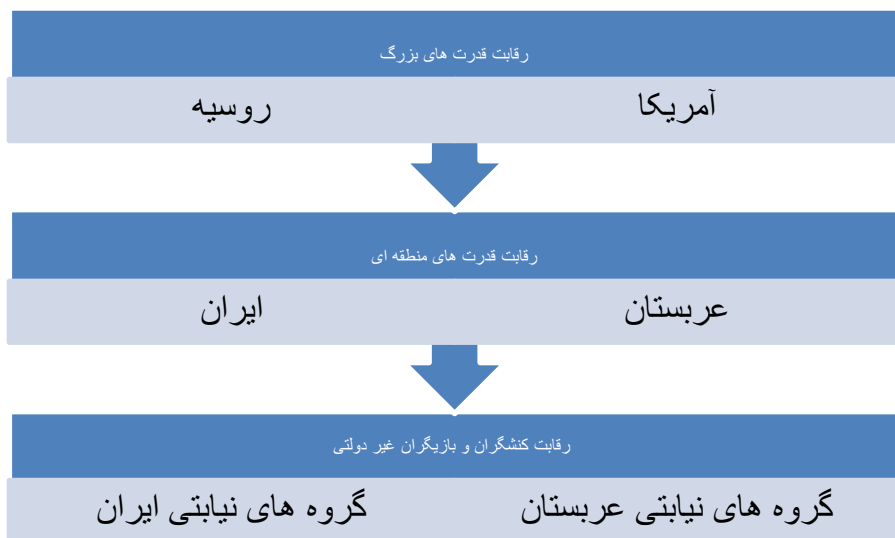
واقع‌گرایان معتقدند که دولت‌ها برای رسیدن به امنیت، قلمرو دیگران را ناامن و بی‌ثبات می‌کند. لذا روسیه و آمریکا، امنیت در ابعاد نفوذ، اقتصاد، ثبات سیاسی و امنیتی و... خود را در خاورمیانه، که یکی از مناطق برای این قدرت‌های بزرگ است، جستجو می‌کنند. این مسئله باعث شده است که روسیه و آمریکا با هم رقابت کنند؛ ماهیت این رقابت‌ها باعث ناامنی، بی‌ثباتی و شکنندگی امنیت در خاورمیانه شده است. مهم‌ترین عناصر ناامنی و بی‌ثباتی امنیت در خاورمیانه که از رقابت‌ها و سیاست‌های امنیتی آمریکا و روسیه نشأت می‌گیرد، افزایش جریان‌های شبه‌نظامی افراطی، بحران و جنگ داخلی میان کشورها در منطقه شده است. از سویی، این رقابت میان دو قدرت بزرگ بین‌المللی باعث شده است که رقابت میان بازیگران متخاصم (کنشگران دولتی و نیابتی) در منطقه افزایش یابد.

۳-۱. افزایش رقابت‌های امنیتی میان بازیگران و کنشگران منطقه‌ای

رقابت در سطح روسیه و آمریکا، به‌عنوان قدرت‌های بزرگ، تأثیر عمیق بر رقابت‌ها و کشمکش‌ها میان بازیگران و کنشگران منطقه‌ای خاورمیانه گذاشته است. دلیل آن هم منافع مشترک، تهدیدات مشترک و سیاست‌های مشترک میان بازیگران و کنشگران منطقه‌ای با همسویی با آمریکا و یا روسیه بوده است. به‌عبارتی می‌توان گفت که روسیه و آمریکا در خاورمیانه، بازیگران و کنشگران منطقه‌ای را به‌عنوان ژاندارم به هدف اجرای

برنامه‌های امنیتی و استراتژیکی خود برگزیدند. متحدسازی دولت‌ها و بازیگران توسط امریکا و روسیه در خاورمیانه باعث شده است تا زمینه‌ها و بسترهای رقابت میان دولت‌ها و کنشگران منطقه‌ای هم افزایش یابد که این رقابت بیشتر در زمینه امنیتی بوده است. در مجموع به لحاظ امنیتی، روسیه تلاش می‌کند تا با برقراری روابط متوازن و پایدار با تمامی دولت‌ها و بازیگران منطقه‌ای در خاورمیانه، سیاست خود را در این منطقه، از ایالات متحده امریکا جدا نماید. (سهرابی، ۱۳۹۲: ۱۲۸). روسیه بعد از ۱۱ سپتامبر سیاست‌ها و اقداماتی که باعث تسلط و حاکم شدن غرب و امریکا بر حکومت‌ها و کشورهای خاورمیانه می‌شد، تهدیدی امنیتی تلقی می‌کند و حراست از منافع خود را در مقابله با نفوذ امریکا و غرب، در قالب حمایت از متحدین خاورمیانه‌ای خود در دستور کار قرار داده است (رستمی، ۱۳۹۵: ۱۸۲).

امریکا و روسیه، هر دو سعی دارند تا متحدان قابل اعتماد در منطقه برای خود برگزینند، این انتخاب متحد و شریک در عرصه‌های رقابت آمیز باید منافع مشترک زیادی داشته باشند تا این همگرایی‌ها تبدیل به شریک استراتژیک شوند. رقابت‌های شدید امریکا و روسیه در خاورمیانه بود که ایران را به دامن مسکو و عربستان را به دامن واشنگتن کشاند؛ لذا روسیه از گروه‌های نیابتی ایران، و امریکا از گروه‌های نیابتی عربستان حمایت می‌کنند. رقابت در خاورمیانه از سطح قدرت‌های بزرگ (امریکا و روسیه) آغاز شده و به رقابت در سطح قدرت‌های منطقه‌ای (ایران و عربستان) به اوج می‌رسد و در نتیجه تا به سطح کنشگران غیردولتی (گروه‌های نیابتی) به شدت تأثیر می‌گذارد.



شکل ۱: تأثیر رقابت آمریکا و روسیه بر بازیگران و کنشگران در خاورمیانه: نگارنده.

یکی دیگر از تأثیرات سیاست‌های امنیتی آمریکا و روسیه بر امنیت خاورمیانه، فروش تسلیحات نظامی به دولت‌های رقیب منطقه‌ای از سوی این قدرت‌های بزرگ است. سپس تسلیحات در دسترس گروه‌های نیابتی و شبه‌نظامیان قرار می‌گیرد که عامل بی‌ثباتی در منطقه هستند. به‌عنوان مثال، با سفر ترامپ به عربستان و امضای فروش تسلیحات نظامی به ارزش ۱۱۰ میلیارد دلار از سوی آمریکا به عربستان، باعث شد تا جنگ در یمن و سوریه بیش از هر زمان دیگری افزایش پیدا کرده و آتش آن دامن تمام منطقه را می‌گیرد. بدون شک تأثیر این سیاست‌های آمریکا و روسیه تنها بر رقابت‌های ایران و عربستان خلاصه نمی‌شود؛ در خاورمیانه هر دولت و بازیگری سعی می‌کند در راستای مبارزه با تهدیدات و رقابت با رقبای در پهلوی یک قدرت بزرگ قرار داشته باشند تا امنیت رژیم‌شان تضمین گردد. در میان پنج کشور اسرائیل، ترکیه، عربستان، مصر و ایران، چهار دولت با آمریکا بهترین روابط به‌طور سنتی داشته و تنها ایران است که از زمان انقلاب تاکنون وارونه بازی

می‌کند، لذا برای کسب جایگاه برتر، کشورهای عربستان، ترکیه، اسرائیل و مصر، برای تثبیت موقعیت خود در خاورمیانه و جلب حمایت امریکا رقابت کنند (خرم، ۱۴۰۱: ۳).

۳-۲. افزایش بحران‌های امنیتی - سیاسی و جنگ‌های داخلی

می‌توان گفت که رقابت‌های امنیتی امریکا و روسیه در سوریه و عراق در دوران پس از بهار عربی و با مداخله نظامی روسیه در سوریه وارد فاز جدید شد که در واقع اصل رقابت‌های امنیتی امریکا و روسیه در سوریه در همین دوران می‌باشد. زیرا روسیه برای حفظ رژیم اسد در سوریه وارد کارزار نظامی و امنیتی شد، درحالی‌که امریکا از جنبش‌های بهار عربی در خاورمیانه (سوریه) اعلام حمایت کرده بود. از طرف دیگر، امریکا از مخالفان بشار اسد حمایت نظامی و تسلیحاتی می‌کرد. روسیه غیرمستقیم به سرکوب و حذف مخالفان اسد کمک نظامی می‌کرد. اما با ظهور داعش در سوریه، روسیه مستقیم هم داعش و هم مخالفان اسد را به شدت سرکوب کرد و رژیم سوریه را از سقوط نجات داد.

به نظر می‌رسد که مهم‌ترین دغدغه امریکا در سوریه و عراق، امنیت اسرائیل است که سعی دارد تا از محور مقاومت جلوگیری کرده و یا آن را تضعیف کند؛ زیرا رژیم سوریه پل ارتباطی میان ایران، حزب‌الله و روسیه در مبارزه با بنیادگرایان و گروه‌های نیابتی امریکا می‌باشد. امریکا و اسرائیل باور دارند که تقویت گُردها و مخالفین رژیم اسد می‌تواند امنیت اسرائیل و منافع امریکا را در سوریه و منطقه تضمین کند؛ لذا از این نیروها به صورت گسترده و همه‌جانبه حمایت کردند. امریکا برای جلوگیری از سرکوب گُردها و مخالفین اسد، در سال ۲۰۱۹م، تصمیم گرفت که دو هزار سرباز خود را در حمایت از نیروهای سوریه دموکراتیک و گروه‌های خلق گُرد در منطقه شمالی سوریه مستقر نماید (حاتمی، ۱۳۹۸: ۲۳۵). روسیه با نگرانی‌های امنیتی با ظهور داعش در سوریه ادعا می‌نمود که رفتار واقعی خود را نشان خواهد داد؛ این درحالی‌است که روسیه به‌بانه جنگ با

داعش، اهداف بزرگ استراتژیک خود را در سوریه دنبال می‌کرد (السادات معلومی و زرگر، ۱۳۹۸: ۳۰).

طولانی شدن جنگ و درگیری در سوریه، روسیه را قادر ساخت تا مهارت‌های ارزشمند را کسب کند. زیرا جنگ داخلی سوریه فرصت ایدئال برای سلاح‌ها و تسلیحات نظامی برای تاکتیک‌های جدید آن محسوب می‌شد. روسیه بسیاری از سلاح‌ها و تسلیحات جدید خود را در جنگ داخلی سوریه امتحان کرد که در حدود دو صد و ده نوع سلاح‌های جنگی را در جنگ سوریه آزموده و ارزیابی کرده است (پوپسکو و سکر یرو، ۱۴۰۱: ۸۳). این امر باعث تقویت حکومت بشار اسد گردید. از طرف دیگر، آمریکا در سوریه دنبال سرنگونی رژیم اسد نیست، بلکه سعی دارد رژیم اسد را تضعیف کند و از آن طریق به شکل فرایند دموکراتیک رژیم را تغییر دهد، که هدف عمده مهار روسیه و ایران می‌باشد. (متین، ۱۳۹۲: www.bbc.com/persian/world).

در سال ۲۰۱۸م، آمریکا تصمیم به خروج نیروهایش از سوریه گرفت. باورها بر این بود که آمریکا احساس می‌کند که قدرت‌های رقیب‌اش عمداً آمریکا را درگیر بحران سوریه کرده است که این مسئله باعث شده است که آمریکا از قدرت‌گیری رقبای استراتژیک مانند روسیه و چین در سطح بین‌المللی غافل شود. ترامپ سعی کرد خود را از بحران سوریه کنار بکشد، اما متحدان منطقه‌ای آمریکا خواهان تداوم حضور این کشور بودند. این بازیگران احساس می‌کنند که حضور آمریکا در سوریه بر نقش آفرینی آن‌ها در منطقه مؤثر است. لذا این امر باعث شده که بحران امنیتی و جنگ داخلی در سوریه تداوم پیدا کند.

نتیجه‌گیری

امریکا و روسیه، به‌عنوان قدرت‌های تأثیرگذار در خاورمیانه، همواره سیاست‌ها و استراتژی‌های امنیتی را در خاورمیانه دنبال کرده‌اند که منجر به بحران‌های امنیتی متعدد

شده است. سیاست‌های امنیتی امریکا و روسیه در خاورمیانه به هدف گسترش نفوذ، مهار یکدیگر، حذف مخالفان و فروش سلاح‌ها و تسلیحات نظامی بوده است. امریکا در خاورمیانه سعی دارد تا هژمونی منطقه‌ای خود را حفظ کرده و آن را گسترش دهد. اما روسیه با آن که ظرفیت و پتانسیل قدرت هژمون بودن در منطقه را ندارد، سعی دارد تا امریکا و غرب را قانع سازد که روسیه را به‌عنوان قدرت بزرگ و مؤثر به رسمیت بشناسد. مهم‌ترین عامل ناامنی و بی‌ثباتی در خاورمیانه، سیاست‌های امنیتی امریکا و روسیه در این منطقه پس از بهار عربی بوده است که مهم‌ترین تأثیر سیاست‌های امنیتی این دو قدرت بزرگ بر امنیت و ثبات خاورمیانه عبارتند از گسترش دهشت‌افگنی، باندهای شبه‌نظامیان، بنیادگرایی مذهبی، جنگ نیابتی و افزایش رقابت‌های امنیتی میان دولت‌های منطقه، به‌خصوص میان ایران، عربستان و اسرائیل و شعله‌ور ساختن جنگ‌های داخلی در عراق، سوریه، لیبی و یمن بوده است.

منابع

- خسروی، غلامرضا، (۱۳۸۷)، **امریکا و خاورمیانه؛ راهبردها و چالش‌ها**، تهران، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی
- میرعلی، محمدعلی، معصومی زارع، هادی، (۱۳۹۹)، **تحلیلی بر ماهیت تغییر در ادبیات کنش‌گری سیاسی حزب‌الله لبنان**، تهران، **فصلنامه علمی- پژوهشی شیعه‌شناسی**، سال ۱۸، شماره ۷۰
- اختیاری امیری، رضا، (۱۳۹۶)، **تأثیر شکنندگی دولت سوریه در تغییر تعاملات امنیتی خاورمیانه**، تهران، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال ۷، شماره ۳
- صابربریا، بریالی، (۱۳۹۶)، **تعامل سیاسی فدراسیون روسیه در مسائل بین‌المللی**، کابل، انتشارات وزارت امور خارجه
- زمردی انباجی، زهرا؛ و دیگران، (۱۳۹۹)، **عامل مؤثر بر شکل‌گیری صف آرای روسیه و عراق (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸)**، تهران، **فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، دوره ۱۳، شماره ۱
- پوپسکو، نیکو؛ سکر پرو، استانیسلاو، (۱۴۰۱)، **بازگشت روسیه به خاورمیانه**، ترجمه، فاضل زرنندی، محمد حسین، تهران، انتشارات ثالث
- زهرانی، مصطفی؛ لوحه سرا، تیمور فرجی، (۱۳۹۵) **رویکرد ژئوپلیتیک فدراسیون روسیه در بحران سوریه**، تهران، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۹۴
- کولایی، الهه؛ نایینی، امین، (۱۳۹۹)، **تأثیر رقابت خاورمیانه‌ای روسیه و آمریکا بر جایگاه منطقه‌ای ایران (۲۰۱۹-۲۰۱۱)**، تهران، **فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۴۵
- نوری، علیرضا، (۱۳۹۹)، **چالش نظم هژمونیک، ثبات و موازنه در خاورمیانه؛ رویکرد و همکاری ایران و روسیه**، تهران، **فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، دوره ۱۱، شماره ۴
- درج، حمید؛ آجیلی، هادی، (۱۳۹۹)، **استراتژی دولت ترامپ در قبال تحولات عراق**، تهران، **پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل**، سال ۹، شماره ۱

میر فخرایی، دکتر سید حسین، (۱۳۹۲)، **روسیه و ناتو**، تهران، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.

روحي دهبنه، مجید؛ و دیگران، (۱۳۹۹)، روابط امنیتی دو قدرت بزرگ امریکا و روسیه در مجموعه امنیتی پسا شوروی؛ الگوها و روندها، تهران، **فصلنامه علمی سیاست جهانی**، دوره ۹، شماره ۲

مطلبی، مسعود؛ و دیگران، (۱۳۹۵)، تروریسم از منظر بنیادگرایان اسلامی رادیکال و فقه سیاسی شیعه؛ با نگاهی به عملیات های استشهادی، تهران، **فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام**، سال ۶، شماره ۴

حسینی نصرآبادی، نرجس سادات، (۱۳۹۹)، تروریسم به مثابه ابزاری رقابت ژئوپلیتیک قدرت ها، تهران، **مجله آمایش جغرافیایی فضا**، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه گلستان، سال ۱۰، شماره ۳۵

ایگلتون، تری؛ و دیگران، (۱۳۸۸)، **ترور و تفکر**، ترجمه، افتخاری راد، امیر هوشنگ؛ فتوره چی، نادر، تهران، نشر چشمه

سهرابی، محمد، (۱۳۹۲)، سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه، تهران، **پژوهش نامه روابط**

بین الملل

رستمی، محمدرضا، (۱۳۹۵)، بی ثباتی های غرب آسیا (خاورمیانه): بازیگران منطقه ای و یاریگران فرمانطقه ای، تهران، **مجله سیاست دفاعی**، سال ۲۴، شماره ۹۴

خرم، سیدعلی، (۱۴۰۱)، رقابت در خاورمیانه و ماهیت روابط ایران و عربستان، تهران، **روزنامه شرق**، سال ۱۹.

حاتمی، محمدرضا، (۱۳۹۸). تصویرسازی ژئوپلیتیک امریکا در شمال سوریه، تهران،

فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره ۸، ش ۳

متین، کامران، (۱۳۹۲)، سوریه؛ سرمایه، جنگ و دیگر هیچ، سایت بی بی سی فارسی،

قابل دسترسی: www.bbc.com/persian/world

- معلومی، فاطمه السادات؛ زرگر، افشین، (۱۳۹۸). رفتارشناسی روسیه در قبال جنگ داخلی سوریه و واکنش آمریکا، تهران، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال ۱۴، شماره ۴۸
- موسوی، سیدمحمد، (۱۳۹۶)، واقع‌گرایی ساختاری و جایگاه سوریه در سیاست‌های منطقه‌ای ایران و روسیه، تهران، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۷، شماره ۴
- طباطبایی، سیدمحمد، رحمتی‌پور، لیلا، (۱۳۹۸)، الگوی رفتاری روسیه در بحران بین‌المللی سوریه، تهران، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال ۲، شماره ۳
- گل‌محمدی، ولی، (۱۳۹۹)، امنیت رژیم و منطق اتحادها در خاورمیانه، تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۲۳، شماره ۳
- سیمبر، رضا؛ و دیگران، (۱۳۹۶)، بررسی سیاست خارجی ایران در بحران سوریه با تأکید بر نظریه موازنه تهدید ۲۰۱۱-۲۰۱۷، تهران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، سال ۳، شماره ۱
- اسلامی، محسن؛ داوند، حجت، (۱۳۹۹)، چرخش راهبردی سیاست خارجی آمریکا در جنوب غربی آسیا از هژمونی طلبی به موازنه‌سازی: مطالعه مقایسه‌ای سوریه و بحرین (۲۰۱۰-۲۰۱۸)، تهران، فصلنامه علمی امنیت ملی، سال ۱۰، شماره ۳۵